

مقدمه

تحقیق حاضر حاصل نگرشی است نو به دیوان غزلیات مولانا جلال‌الدین محمد بلخی از سه نظر گاه فکری، زبانی و ادبی. در این تحقیق کوشیده‌ایم تا در حدّ توان خویش به تفکّر، زبان و بیان مولانا در غزلیاتش نزدیک شویم، تا شاید از این رهگذر به عناصر محوری و بنیانی شعر او که سبک او از آنها مایه می‌گیرد، دست یابیم. حقیقت این است که دستیابی به «سبک شخصی» شاعری چون مولانا کاری است بس اندیشه‌سوز و توانفرسا، و ما هیچ گاه مدّعی نیستیم که در این تحقیق به «مختصّه اصلی» شعر او دست یافته‌ایم؛ چرا که این مهم، نیازمند سالها تحقیق و تأمل در شعر شاعر است و با وقت کمی که ما برای تدوین این رساله داشته‌ایم، سازگار نیست. صائب، که خود شاعری نازک‌خیال و باریک‌بین است و سالها با غزلیات مولانا مأنوس بوده و بسیاری از غزلیات او را به زیبایی تمام استقبال کرده است، درباره دشواری آشنایی با «طرز مولانا» می‌گوید:

سالها اهل سخن باید که خون دل خورند
تا چو صائب آشنای طرز مولانا شوند¹

اصولاً «کشف مختصات سبک فردی و مخصوصاً آن ویژگی بنیادی سبک شخصی، غبطه هر سبک‌شناسی است. این دشوارترین مرحله سبک‌شناسی و از سوی دیگر مفیدترین و شیرین‌ترین بخش آن است؛ امّا فقط سبک‌شناسان باتجربه‌ای که عمری دراز با آثار شاعران و نویسندگان خاصی محشور و مأنوس بوده‌اند، می‌توانند از عهده تبیین مختصّه یا مختصات سبک ویژه برآیند».²

با این حال، سعی کرده‌ایم که به برخی از مهم‌ترین عناصر فکری، زبانی و ادبی غالب، فراگیر و متکرّر غزلیات مولانا دست یابیم و با استفاده از شواهد فراوان شعری از جای‌جای دیوان شمس، این عناصر را توصیف و تحلیل کنیم. بدین ترتیب، در سطح فکری به شش ویژگی، در سطح ادبی به پنج ویژگی و در سطح زبانی به چند ویژگی دیگر اشاره کردیم، و این تحقیق، در واقع، تفصیل این ویژگیهاست. البته برخی از این ویژگیها نسبت به ویژگیهای دیگر از اهمیت بیشتری برخوردارند و در شناخت سبک شخصی شاعر مفیدتر و رهگشاترند.

گفتیم که در این تحقیق از سه نظر گاه فکری، زبانی و ادبی به غزلیات مولانا نگریسته‌ایم. این تقسیم‌بندی را می‌توان چنین توجیه کرد: نگرش خاص هنرمند به جهان بیرون و درون موجب می‌شود که «فکر»ی در ذهن او نقش بندد. اگر هنرمند بخواهد این فکر را به دیگران منتقل کند، ناچار به استفاده از وسیله است. اگر نقاش باشد، از رنگ و قلم‌مو و کاغذ بهره می‌گیرد، و اگر موسیقیدان باشد، از نتها و آواهای موسیقی کمک می‌گیرد. در این میان، شاعر و نویسنده به «زبان» متوسل می‌شوند و بدین وسیله از مکنونات فکر خویش پرده برمی‌گیرند؛ اما آنچه موجب تمایز سخن شاعر از سخن دیگر گویندگان می‌شود، استفاده از زبان «ادبی» است. کار شاعر نقاب برگرفتن از رخ اندیشه با به کارگیری زبانی است که از ادب مایه‌ور است. بدین ترتیب، در هر شعری، با سه عنصر

¹ صائب تبریزی، دیوان، به کوشش محمد قهرمان، ج 3، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، 1366، ص 1274، غزل 2604.

² شمیسا، سیروس، کلیات سبک‌شناسی، ص 77.

اساسی مواجه هستیم: فکر، زبان، و ادب. از این رو، شعر را می‌توان چنین تعریف کرد: شعر، تبلور فکر در زبانی خیال‌آمیز است.

هر یک از این عناصر و سطوح سه‌گانه یعنی فکر، زبان و ادب دارای هنجارهایی است و خروج شاعر از این هنجارها می‌تواند موجب ایجاد سبکی خاص برای او باشد، و کار سبک‌شناس، شناخت هنجارها یعنی قراردادهای و سنن فکری، زبانی و ادبی، و خروج از آنهاست. غزلیات مولانا نیز در هر سه سطح زبانی، فکری و ادبی نسبت به دیگر شاعران سبک عراقی از تشخصها و تمایزاتی برخوردار است که محصول خروج هنری او از هنجارها و معیارهای دوره خویش است. همین خروجهای هنری است که موجب شده است غزلیات مولانا از سبک‌دارترین غزلیات ادب فارسی باشد، و تحقیق حاضر تلاشی است برای دستیابی به این خروجهای هنری؛ خروجهایی که در مجموع، سبک شخصی مولانا را تشکیل می‌دهند.

از آنجا که مسئله «سبک شخصی» هنوز در ایران به‌درستی شناخته شده نیست و تحقیقهای انجام شده در حیطه سبک‌شناسی معمولاً بر مدار و مبنای «سبک دوره» است، در آغاز تحقیق حاضر، بحثی را به سبک شخصی اختصاص داده‌ایم و کوشیده‌ایم تا به تعریف و توصیف درستی از آن نایل شویم.

نکته دیگر اینکه، مبنای کار ما در این تحقیق، مجموعه ده جلدی غزلیات مولانا معروف به دیوان کبیر یا کلیات شمس، تصحیح مرحوم فروزانفر بوده است. جلد یک تا شش و همچنین قسمتی از جلد هفتم این مجموعه به غزلیات مولانا اختصاص یافته است. همچنین بخش کوچکی از جلد هفتم مشتمل بر ترجیعاتی (44 ترجیع) است که از مولانا به جای مانده است. قسمت اعظم جلد هفتم مربوط به «فرهنگ نوادر لغات و تعبیرات و مصطلحات» دیوان است که مرحوم فروزانفر آنها را جمع و تدوین کرده است. جلد هشتم به رباعیات مولانا اختصاص دارد، و جلدهای نهم و دهم (مجلد نهم) به کشف‌الابیات یا فهرست قوافی کلّ دیوان. مجلد نهم با دقت و حوصله خاصی به وسیله مرحوم فروزانفر و همکاران او تهیه و تنظیم شده و در دستیابی به ابیات دیوان کبیر مولانا بسیار رهگشاست، و کان سعیهم مشکورا. در این تحقیق، ما تنها به بررسی و تحلیل غزلیات فارسی مولانا، که خود در حدود سه هزار غزل است، پرداخته‌ایم و برای پرهیز از وسیع شدن دامنه کار، از غزلیات عربی و ترجیعات و رباعیات او صرف نظر کرده‌ایم و آنها را به تحقیقی دیگر وا نهاده‌ایم.

در ارجاع به غزلها و بیتها شیوه‌ای که اتخاذ کرده‌ایم، چنین است: عدد سمت راست در هر ارجاع نشان دهنده شماره جلد و عدد سمت چپ نماینده شماره غزل است. برای مثال، 25/1 یعنی جلد یکم، غزل بیست‌وپنجم، و 3125/7 یعنی جلد هفتم، غزل سه هزار و صد و بیست‌وپنجم. در پایان، توفیق خویش در عمل به وظایف شرعی، اجتماعی و علمی را، از صمیم جان، از خداوند رحیم و رحمان خواهانم.

علی حسین‌پور

تابستان 1375